

مخاطبان‌شان از مقررات و تنظیم‌گری فرار کنند.

صالحی باید به این بیابندیشد که همه چیز در حوزه فرهنگ و هنر از آن روزی که وزارتخانه را ترک کرد و به روزنامه اطلاعات رفت تغییر بسیار زیادی کرده است. همین فناوری دیگر دست همه را برای ساخت هر محصول هنری باز کرده است، بی آن‌که حتی به سرمایه‌زادی نیاز داشته باشند چه برسد به اینکه لنگ مجوز و قانونگذار بمانند. اعتراضات ۱۴۰۱ بسیاری از هنرمندان را مجاب کرده است که دیگر با سازوکار تنظیم‌گری کار نکنند. بخش زیادی از آنان که کار جدی هنری می‌کردند چنین تصمیمی گرفتند و همین باعث تقویت بخش بازاری هنر و جلوه‌نمایی بیشتر آن در ویترین هنری کشور شده است. دیاسپورای ایرانی هر روز در نقاط بیشتری قوی‌تر می‌شود، هنرمندان و اهالی فرهنگ بیشتری به این دیاسپورا می‌پیوندند و ترجیح می‌دهند که دیگر خارج از جغرافیای فیزیکی ایران، کار برای ایران کنند. حتی آنان که در داخل هم هستند تلاش می‌کنند خارج از قواعد رسمی کار کنند و قید عرضه تولیدات فرهنگی خود در مجازهای رسمی داخل کشور را زده‌اند. همان فناوری‌ای که آقای صالحی می‌خواهند برای تنظیم‌گری استفاده کنند ازقضا تسهیل‌گر این هنرمندانی است که نمی‌خواهند به تنظیم‌گری تن بدهند.

با همه اینها، حضور شخصی چون صالحی در کسوت وزیر فرهنگ را باید به فال نیک گرفت و امید داشت که او از ظرفیت‌های منحصر به فرد خودش برای حل این کلان مسائل استفاده کند. صالحی از معدود مدیرانی است که در طیف‌های مختلف سیاسی و عقیدتی احترام دارد و کلامش نافذ است. او می‌تواند نقش تاریخی‌ای در فرهنگ ایفا کند اگر که به‌جای اینکه در کسوت تنظیم‌گر و قانونگذار برود، قیای میانجی به تن کند. برای این کار نیاز به این دارد که اول از همه، بدون سانسور وضعیت فرهنگی کشور را رصد کند. او باید در رخ درخ سلیقه و خواست گروه‌های مختلفی که مخاطب وزارتخانه متوعوش هستند بیاندازد، از دختر و پسران نوجوانی که زبان کره‌ای یادی می‌گیرند تا هنرمندان ریشه‌داری که دیگر احساس بی‌تعلقی به اینجا می‌کنند و نمی‌خواهند که عنان فکر و کار خود را به مدیران دولتی بدهند. بعد از این مواجهه صالحی می‌تواند که در مقام یک میانجی بین لایه‌های سخت و متصلب از سویی و جامعه‌ای که بی‌توجه به آن لایه‌های سخت کار خود را پیش می‌برد نقش ایفا کند. درحقیقت این نقش تاریخی را صالحی زمانی می‌تواند ایفا کند که کار خود را در وزارتخانه در امتداد کارش در روزنامه اطلاعات ببیند. او که دستش می‌رسد و ابزارش را دارد تلفظ آینه‌نماهم‌نامی از خواست و سلیقه واقعی جامعه برای لایه‌های سخت ساختار سیاسی ایران باشد بلکه بتواند با استفاده از ابزاری که در اختیار دارد، این خواست و سلیقه را در سیاستگذاری کلان فرهنگی ساختار سیاسی لحاظ کند تا هم از گسست بیشتر جلوگیری کند و هم اینکه بتواند به محورهایی که ذکر کرده بود وفادار باشد. غیر از این باشد، صالحی و هر فرد دیگری فقط وزیر درصد کوچکی از جامعه خواهد بود و بقیه جامعه بی‌اعتنا به سازوکار فرهنگی دولت کار خود را پیش خواهد برد.

نسبت دیگر هنرها درهم‌پیچید که وضعیت هنرمندان بلاتکلیف آن رانتهای می‌شد با واژه‌هایی چون عم‌انگیز و هول آور توصیف کرد. نخستین اطلاعیه روابط عمومی وزارت فرهنگ‌وارشاد اسلامی که خبر از تعطیلی تمام برنامه‌های فرهنگی و هنری به‌مدت یک‌هفته می‌داد، سوم اسفندماه ۱۳۹۸ منتشر شد و کسی گمان نمی‌کرد این تعطیلی، اطلاعیه‌یشت اطلاعیه، برای اهالی تئاتر به‌مدت ۱۶ ماه، دست‌کم تا تیرماه ۱۴۰۰ ادامه پیدا کند. در این فاصله زمانی هرچند جشنواره‌های متعدد تئاتری هم‌چنان در حال برگزاری بودند اما خالی ماندن یا نامندن سفره اهالی تئاتر و از هم‌پاشیدن یا ناپاشیدن زندگی‌شان در بند سیاهه پُرطول و تفصیل بازشنایی‌هاوتعطیلی‌های مکرری درآمده بود که پایانی برای آن قابل تصور نبود. این مسئله‌ای بود که سیدعباس صالحی نیز در ۲۰ مردادماه ۱۴۰۰ در دیداری با معاونان و مدیران ستادی و استانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، با بعدد و رقم به آن اشاره کرد. او با اشاره به شیوع ویروس کرونا و آن‌چه تورم و شرایط سخت منابع مالی کشور خواند، از تفاوت قابل توجه ارقام در حوزه هنرهای نمایشی طی سال‌های ۱۳۹۷ و ۱۳۹۹ گفت. مطابق آمار اعلام‌شده، در سال ۱۳۹۷، ۷۱۹۶ مجوز اجرا صادر شده بود و در سال ۱۳۹۹، تنها ۱۲۶۵ مجوز اجرا. ضمن این‌که تعداد تماشاگران تئاتر در سال ۱۳۹۷، ۸ میلیون و ۲۰۰ هزار نفر بودند و در سال ۱۳۹۹، تنها یکمیلیون و ۱۷۶ هزار نفر. آماری که نشان می‌دهد چزا روزگار اهالی تئاتر از اسفندماه ۱۳۹۸ تا تیرماه ۱۴۰۰ عم‌انگیز و هول آور بود.

بامهم این‌ها، اگر چه اهالی تئاتر تنها یک‌سال آوری‌بمی‌دردرسر را در دوران حضور سیدعباس صالحی در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از سر گذارندند و پس از آن بلا پشت بلا بود که بر سرشان بارید، همچنان امید است که به‌پیش می‌انندشان؛ امید به‌بهبود شرایط در سال‌های حضور دوباره صالحی در وزارتخانه‌ای که با مناسبات آن آشناست.

**کارنامه نشر**

## نجات کشتی به گل نشسته نشر

### آیا ممیزی این بار به روزرسانی می‌شود؟



**زینب کاظم‌خواه**

خبرنگار گروه فرهنگ

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی یکی از کلیدی‌ترین نهادهای ایران است که نقش فیلترینگ یا به‌تعبیری سانسور را برعهده دارد. طی چهار دهه‌ی گذشته کسانی که بر کرسی وزارت ارشاد تکیه زدند، باعث شدند گاهی سانسورها سفت‌وسخت‌تر یا حتی افراطی شوند؛ مثل مصطفی میرسلیم و صفارهرندی، گاهی هم قدری تعدیل شوند؛ مثل محمد خاتمی یا علی جنتی و گاهی این سانسور با تساهل همراه بوده است؛ مثل دوران وزارت چهارساله‌ی سیدعباس صالحی.

سیدعباس صالحی در دوره‌ی چهارساله‌ی وزارتش در دوران ریاست‌جمهوری حسن روحانی سال‌های به‌نسبت آرامی داشت و توانست سکان کشتی فرهنگ را در دریای پرتلاطم مشکلات اقتصادی به‌خوبی هدایت کند. در آن دوران کشور از نظر اقتصادی با مشکلاتی دست به‌گریبان بود، همین موضوع باعث مشکلات کمبود و گرانی کاغذ در آن دوران شد، صدای بسیاری از مطبوعات و ناشران را درآورد، به‌دنبال آن قیمت کتاب‌ها هم به‌شکل صعودی افزایش یافت و بسیاری از ناشران و کتابفروشان دچار مشکلات بسیار جدی شدند.

اما با همه‌ی این‌ها به‌قول معروف: عیب می‌جمله‌ی هنرش نیز بگو، سیدعباس صالحی در دوران وزارتش اهالی فرهنگ و کتاب را تا حد قابل توجهی به‌رضایت رساند. او مرد تعامل و تساهل بود برای همین طی دوران قبلی وزارتش سعی کرد از ناشران و اهالی قلم تا جایی که می‌توانست فاصله نگیرد و تلاش کرد تا مرد عمل باشد، به همین دلیل یکی از مهم‌ترین کارهایی که سال‌ها قول آن داده می‌شد و عملی نمی‌شد در دوران او اجرایی شد، یعنی سیاستگذاری و واگذاری امور اجرایی نمایشگاه کتاب تهران به تشکل‌های نشر. در نتیجه‌ی این تصمیم در سی‌امین نمایشگاه کتاب تهران مدیران کمیته‌های اجرایی و رفاهی، پشتیبانی، ناشران داخلی، ناشران بین‌الملل، تبلیغات، فعالیت‌های فرهنگی و اطلاع‌رسانی از سوی تشکل‌های نشر انتخاب شدند.

در دورانی که چرخ نشر ایران به‌خاطر شیوع کرونا لنگ می‌زد، اولین نمایشگاه مجازی کتاب تهران برگزار شد که در نوع خود اتفاقی بی‌سابقه بود. با موفقیت برگزاری این نمایشگاه این موضوع به سنت سال‌های بعد از کرونا هم تبدیل شد و در این سال‌ها در کنار نمایشگاه فیزیکی شاهد نمایشگاه مجازی کتاب هم بوده‌ایم و همین موضوع باعث شد که اوضاع کساد نشر

شنبه ۲۷ مرداد ۱۴۰۳
سال سوم - شماره ۵۷۹
www.hammihanonline.ir

کمی تکان بخورد.

در دوران قبلی وزارت سیدعباس صالحی، مالیات در نشر یکی از معضلات عمده‌ی ناشران و کتابفروشان بود. کشتی بسیاری از ناشران – کتابفروشان به‌خاطر چرخه‌ی کند صنعت نشر به گل نشسته بود، در این میان مالیات نیز مشکلی بر مشکلات عدیده‌ی آن‌ها افزوده بود و آن‌ها طی دولت‌های قبلی بارها خواهان معافیت مالیاتی شده بودند تا اندکی از باری که روی دوش‌شان بود، برداشته شود اما هر بار در خواست‌های آن‌ها به درهای بسته می‌خورد.

یکی از اقدامات مهمی که به‌نام صالحی رقم خورد، معافیت مالیاتی کتابفروشان بود که سال‌ها بر سر آن میان وزارت ارشاد و اقتصاد کشمکش وجود داشت. قانون معافیت مالی کتابفروشان و ناشران در سال ۱۳۸۰ تصویب شده بود، اما مسئولان امور مالیاتی کشور می‌گفتند این‌نامه‌ی اجرایی اشکالاتی داشت که با پیگیری‌های این سازمان و وزارت ارشاد، همچنین اصناف نشر مشکلات برطرف و بعد از ۱۳ سال در دوران وزارت سیدعباس صالحی بالاخره گره کور این ماجرا با شد.

اما مسئله‌ی ممیزی کتاب یکی از پرچالش‌ترین مسائلی است که هر وزیر ارشادی آن را تجربه می‌کند، اگر خیلی سهل بگیرد محافظه‌کاران به جانش می‌افتند و تیغ انتقاد را سوشش می‌گیرند و اگر خیلی سفت و سخت بگیرد سیل انتقاد نویسندگان و ناشران به سویشان روانه می‌شود، بنابراین رعایت اعتدال در این حوزه از آن کارهای سختی است که وزیر ارشاد باید آن را رعایت کند. ضمن همه‌ی این چیزها واقعیت این است که ممیزی در کشور ما معیار مشخصی ندارد، چند سال پیش خود سیدعباس صالحی درباره‌ی ممیزی کتاب گفته بود: «در بقیه‌ی حوزه‌ها انتظارات روشن هستند، اما در وزارت ارشاد این انتظارات نه‌تنها گاهی متفاوت بلکه متناقض و متعارض هستند» و می‌شد از فحوا‌ی صحبت‌های او دریافت که خود او هم به سانسور سلیقه‌ای و سرخود بعضی از ممیزان وزارتخانه تحت امرش معترف است.

سیدعباس صالحی اما همچنان به سانسور کتاب‌ها اعتقاد دارد، گرچه شاید سوخرا‌های غربال او گذشادر از بعضی وزرای پیشین باشد و آثار راحت‌تر از آن عبور کنند. او چند سال قبل هم اعلام کرده بود که نظام نظارتی بر مبنای قواعد و قوانین موجود است و آنچه اتفاق می‌افتد امری قانونی است اما این سیستم را باید به‌روزرسانی کرد، ولی در عمل این به‌روزرسانی به‌صورت واضح تشریح نشد.

صالحی حالا بار دیگر بر صندلی وزارت ارشاد تکیه زده است، و حالا شاید بتواند همان‌طور که قول داده بود اهداف نظام ممیزی را مطابق با آن تحولات تغییر داده و به‌روزرسانی کند. یکی از برنامه‌هایی که وزیر ارشاد در حوزه نشر و کتاب به مجلس ارائه داده است، استفاده از مجامع و تشکل‌های مردمی برای تسهیل ممیزی است که این می‌تواند نوبدبخش برون‌سپاری ممیزی به بیرون از اداره‌ی ارشاد و به متخصصان امر باشد.

**سازمان ثبت اسناد و املاک کشور - اداره کل ثبت اسناد و املاک مازندران**

**آگهی موضوع ماده ۳ قانون وماده ۱۳اّین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی وساختمان های فاقده سندرسمی**

برابر رای هیات به شماره ۱۴۰۳/۱۱۰۸۵ مورخ ۱۴۰۳/۰۴/۲۴ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقده سند رسمی در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک بهشهر تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی به نام آقای عبدالعلی فرخی فرزند رضانعلی نسبت به شش دانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۱۰۲۱/۶۶ مترمربع قسمتی از پلاک ۳۱ فرعی از ۱۸-۱ اصلی به شماره کلاسه ۱۴۰۳/۶۴۳۳ واقع در اراضی نقاش محله بخش ۱۷ ثبت بهشهر مستند مالکیت خریداری شده مع الواسطه از مالک رسمی رضانعلی فرخی برگه استشهاده‌یه ارائه شده محرز گردیده است .لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۳/۰۵/۱۳- تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۳/۰۵/۲۷

**شناسه آگهی: ۱۷۶۲۵۳۷**

**محمدحسین صادقی - سرپرست اداره ثبت اسناد و املاک بهشهر**

**سازمان ثبت اسناد و املاک کشور - اداره کل ثبت اسناد و املاک استان مازندران**

**آگهی موضع ماده ۳ وماده ۱۳اّین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمان های فاقده سندرسمی**

نظبر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمان‌های فاقده سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۹/۲۰ املاک متقاضیانی که در هیات موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی آمل مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه و بلامعارض آنان محرز و رای لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل آگهی می‌گردد: املاک متقاضیان واقع در بخش نه ثبت آمل - دهستان لیکنوه ۵- اصلی (قریه شاه محله) ۶۱۱۲ فرعی آقای امیر نظری در شش دانگ یک قطعه زمین با کاربری زراعی به مساحت ۱۳۱/۳۵ مترمربع، خریداری شده بلاواسطه از حسین کریمی روزبهبانی و مع الواسطه از قاسم عباس نجار و مینا رضانی و حسین محسنی. لذا به موجب ماده ۳- قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقده سند رسمی و ماده ۱۳-اّین نامه مربوطه این آگهی در دو نوبت به فاصله۱۵ روز از طریق روزنامه محلی و کثیرالانتشار در شهرها و در روزها‌های هیات الصاق تا در صورتی که اشخاص ذینفع به آرای اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار اولین آگهی در روستاها از طریق الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند. معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید و گواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت محل دهد که در این صورت اقدامات ثبت موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است و در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۳/۰۵/۱۳- تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۳/۰۵/۲۷

**حسن صالحی - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک آمل**

**شناسه آگهی: ۱۷۵۹۳۵۰**

**سازمان ثبت و اسناد املاک کشور - اداره کل ثبت اسناد و املاک مازندران**

**آگهی موضوع ماده ۳ قانون وماده ۱۳ اّین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمان های فاقده سندرسمی**

نظبر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمان‌های فاقده سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۹/۲۰ املاک متقاضیانی که در هیات موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی آمل مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه و بلامعارض آنان محرز و رای لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل آگهی می‌گردد: املاک متقاضیان واقع در بخش سه ثبت آمل - دهستان دشت سر- ۳۳- اصلی (قریه بازینا کلا) ۱۰۶۹۷ فرعی آقای عبدالله عیدی در شش دانگ یک قطعه زمین با ساختمان احداثی یا کاربری مسکونی تراکم متوسط که چهل و سه سیرمشاع از دوپوست و چهل سیر عرضه موقوفه است به مساحت ۱۲۵/۳۸ مترمربع خریداری شده بلاواسطه از قنبر عباسی ملکشاه و مع الواسطه از اکبراحمدی و غلام عباس ملکی و حسین اسماعیلی و علی غفاری و حسین برزرگر، لذا به موجب ماده ۳- قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمان های فاقده سند رسمی و ماده ۱۳-اّین نامه مربوطه این آگهی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق روزنامه محلی و کثیرالانتشار در شهرها منتشر و در روستاها رای هیات الصاق تا در صورتی که اشخاص ذینفع به آرای اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار اولین آگهی در روستاها از طریق الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند. معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید و گواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت محل تحویل دهد که در این صورت اقدامات ثبت موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است و در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض، گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می‌نماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۳/۰۴/۲۷- تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۳/۰۶/۱۰

**حسن صالحی - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک آمل**

**شناسه آگهی: ۱۷۶۷۱۱۵**

**سیاستگذاری فرهنگی**

## اهمیت درک تکثرگر ایانه حوزه فرهنگ

الگوهای یکسان‌ساز ونسبی‌گرا در ایران موفق نمی‌شوند



**فرزاد نعمتی**

خبرنگار گروه فرهنگ

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی را باید اصلی‌ترین متولی حوزه فرهنگ در ساختار نهادی سیاست در ایران دانست. متأسفانه اما نظیر برخی از دیگر وزارتخانه‌ها چون وزارت امور خارجه، احکام این وزارتخانه نیز در مواردی تحت فشارهای مراجع شبه‌دولتی و غیررسمی قرار می‌گیرد و افراد و نهادهای غیرمرتبط در امور آن مداخله می‌کنند. در عین حال اگر چه شاید در وهله نخست تحولات ساختاری در این وزارتخانه چندان در صدر مطالبات عمومی نباشد، اما نگاهی گذرا به تاریخ حوزه فرهنگ در سده‌ها اخیر نشان می‌دهد که ازقضا هم نوع نگاه وزرای فرهنگ و ارشاد به مسائل این حوزه متفاوت است، هم نوع مواجهه وزارتخانه با مسائل هنرمندان، نویسندگان ... و می‌تواند بازتاب گسترده‌ای در سطح کشور داشته باشد و حتی در رأی آوری کاندیداهای ریاست‌جمهوری نقشی مهم ایفا کند. برای نمونه کافی است به تحولات وزارتخانه در آغاز دهه ۱۳۷۰ (از استعفای سیدمحمد خاتمی تا وزارت مصطفی میرسلیم) یا نقش شعرهای فرهنگی در دوران انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۶ و انتصاب سیدعطاءالله مهاجرانی به وزارت توجه کرد. هنرمندان ازجمله حامیان عمده خاتمی در این انتخابات بودند و بعدتر نیز مهاجرانی، یکی از اصلی‌ترین وزیران دولت اصلاحات به‌شمار می‌رفت و بسیاری از مردم نتیجه رأی خود را در انتشار کتاب‌ها و اثرن فیلم‌هاو چاپ مطبوعاتی می‌دیدند که دیدن آنها پیش از دوم خرداد امری تقریباً محال می‌نمود. در انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۳۹۲

معال می‌نمود. در انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۳۹۲ نیز حسن روحانی با تمرکز بر شعار «دولت فرهنگی» و قراردادن آن در برابر «فرهنگ دولتی»، نظر ها را به خود متمرکز بر شنایش در سیاست خارجی ومذاکره مستقیم با آمریکا بود، اما در عین حال وعده‌هایی چون سپردن امور سانسور کتاب به ناشران یا فراهم‌آوردن تک‌خوانی زنان در دوران وزارت علی جنتی، بسیاری را به ایجاد تحولات در این حوزه امیدوار کرد. در همین دوران سیدعباس صالحی به‌عنوان معاونت کتاب وزارتخانه انتخاب شد تا بتواند گرانی‌های برخی نسبت به عرضه محصولات فرهنگی مفسده‌برانگیز را رفع کند. از انتخابات ۱۳۹۶ بدین‌سواز توجه به حوزه فرهنگ در رقابت‌های انتخاباتی کاسته شد و در سال‌های اخیر، گسست‌هایی جدی میان آیین‌نامه‌های دولتی و تولید محصولات فرهنگی ایجاد شده است. بخشی از این امر به تحولات اجتماعی

بنیادینی بازمی‌گردد که زیر پوست جامعه در حال وقوع است. این تحولات با توجه به گسترش بی‌سابقه رسانه‌های ارتباطی نوین که تور سانسور دولتی نیز توانایی مقابله با آن را ندارد، بیش ازپیش مسیرهایی غیررسمی را برای ارتباط با مخاطبان پیدا می‌کند و به همین دلیل امروزه چاپ کتاب‌ها یا ساخت فیلم‌ها یا آهنگ‌هایی خارج از مناسبات رسمی، افزایش پیدا کرده است. بخشی دیگر از این اتفاق را اما باید در ناتوانی مدیریت فرهنگی کشور دانست؛ مدیریتی که در آن سیاستگذاری‌های فرهنگی متناسب با تحولات اجتماعی، جای چندان ندارد و بر این گمان خطاست که می‌تواند با امر ونهی و دستور و فرمان، اصحاب فرهنگ را به خط کند. چنین تصویری مبتنی بر الگویی از سیاستگذاری فرهنگی است که می‌توان آن را الگوی یکسان‌سازی فرهنگی نامید. طبق این الگو، تمام جریان‌های فرهنگی باید در خدمت تفسیر دولتی و حکومتی از اصول و ارزش‌های متعالی قرار بگیرند. نظام تشبیه و پاداش نیز براساس میزان تقید اهالی فرهنگ به این تفسیر رسمی اعمال خواهدشد.

در برابر این الگو، می‌توان به دو الگوی دیگر نیز فکر کرد: نخست، الگوی نسبی‌گرایی فرهنگی که در آن حکومت هیچ ارزش و اصول برتری را تحت عنوان ایدئولوژی رسمی تبلیغ و ترویج نمی‌کند و تمام خرده‌فرهنگ‌ها تحت نوعی علی‌السویه‌گی به فعالیت هم‌زمان در کنار یکدیگر می‌پردازند. در این راهبرد، ادعای وجود اصول و ارزش‌های برتر نیز نفی می‌شود. در میانه این دو الگوی افراطی اما می‌توان از الگوی تکثرگرایی فرهنگی دفاع کرد؛ الگویی که در آن وجود اصول و ارزش‌های برتر نفی نمی‌شود، اما نه حکومت فراتنی رسمی از این اصول به‌دست می‌دهد، نه خود را موظف به اجرای بی‌کوپ‌کاست آن‌هایی می‌کند. در این الگو، تلاش بر آن است که با معبد گیری از انواع رقابت‌ها و بنا به مصالح ملی، به برخی معیارهای مشترک و زمانمند و مکانمند دست یافت و آنها را مبنای قانونگذاری قرار داد. ازضفا این روش با آنچه در تاریخ ایران تحت عنوان «وحدت در کثرت» شهرت پیدا کرده است، نسبتی وثیق دارد و تجربه تاریخی نیز نشانگر آن است که فرهنگ عمومی مداراچوبانه جامعه ایرانی نیز از آن استقبال بیشتری خواهد کرد.